

نکاتی که اغلب همزمان می‌شود، معماری ارتباطات است. انقلاب پروتستان‌ها پس از رسانه‌های چاپی اتفاق افتاد. نازیسم و فاشیسم در رادیو شکل گرفتند. اما الان شبکه‌های اجتماعی را داریم که رسانه‌ای الگوریتمی است که ظهور آن همزمان در تمام کشورهای غربی اتفاق افتاد و ظاهراً همزمان شد با سقوط ناگهانی تمام محافظان احزاب تثبیت‌شده و توانایی آنها برای محافظت از هر گونه جبهه‌ای در مقابل پوپولیسم راست‌گرا. بنابراین موجی از تغییر در جهان در حال وقوع است و فناوری آغازگر آن است.

خودکامگان دهه ۲۰ و ۳۰ میلادی از اختراع رادیو استفاده کردند. رادیویکی از سیستم‌هایی است که می‌تواند پیام‌های واحدی را در سراسر کشور منتشر کند که به تمام روستاها و شهرهای کوچکی که قبلاً بروشورها و رسانه‌های محلی کوچک خود را داشتند، برسد. توانایی برای پخش سراسری یک پیام، برای متمرکز کردن آن و ارسال آن به سراسر آلمان یا ایتالیا اهمیت بزرگی داشت. در هر کودتایی که در دهه‌های ۲۰، ۳۰، ۴۰ میلادی رخ داد، تلاش‌ها به‌سمت رسیدن به دو مکان انجام می‌شد؛ یکی رسیدن به کاخ ریاست‌جمهوری برای کشتار یازاندانی کردن رئیس‌جمهور و دیگری تلاش برای تصاحب ایستگاه رادیویی. بعدها کسب کنترل کاخ ریاست‌جمهوری و سپس کنترل ایستگاه‌های تلویزیونی بود. بنابراین رسانه‌ها نظام سلسله‌مراتب را تقویت می‌کردند. سیستمی که ما الان در آن قرار داریم سیستم شبکه‌ای است که به‌طور گسترده‌ای توزیع شده و هر رابطه‌ای را به اندازه دیگری قدرتمند می‌کند. فروپاشی سلسله‌مراتب، توانمندسازی افراد و صداهای تندرهای رادیکال را ایجاد می‌کند؛ این امر حتی در مورد تورپسین‌های توطئه «کی‌وی‌ان» هم صدق می‌کند. هر کسی که بتواند محتوایی ایجاد کند که ویرال شود می‌تواند خیزشی به‌راه اندازد و این امر اساساً ضدسلسله‌مراتب است.

عزرا کلاین به‌زکریا می‌گوید که ممکن است سیاست‌های شما چپ‌میانه باشد. امانی‌توان یک سیاستمدار چپ‌میانه را نام برد که از عصر تلفن‌های هوشمند ظهور کرده باشد که عملاً ستاره این دوران باشد. می‌توان به سیاستمداران راست‌گرا بسیاری فکر کرد که این کار را انجام داده‌اند اما وقتی که به جو بایدن و بعد کاملاً هریس فکر کنید، به مکرون در فرانسه، مرس در آلمان، و کی‌یر استارمر در بریتانیا فکر خواهید کرد، این دورانی است که چپ‌میانه در کشورهای مختلف مغلوب شده که به‌نظر می‌رسد دوران سختی برای پرورش استعداد‌های طبیعی خود دارد. دلیل آن چه می‌تواند باشد؟ زکریا می‌گوید، این امر می‌تواند به مسئله طبقاتی برگردد. چپ‌میانه در حاشیه امن خود به نوعی از الیت تکنوکرات شایسته‌سالار تبدیل شد که همیشه پاسخ درست را داشت. پاسخی که همه می‌توانستند برایش هورا بکشند، راست‌گرایان به‌طور فزاینده‌ای به دیوانگان و شورشیان خارج از کنترل تبدیل شدند. به‌باور زکریا همین ساختار بود که باعث شد

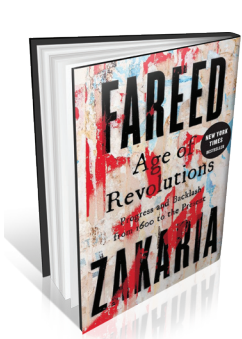
راست‌گرایان تمایل بیشتری برای خطر کردن داشته باشند؛ از فناوری‌ها و نوآوری‌های بیشتری استفاده کنند و اخلاک‌تر شوند. ترامپ هم تندروترین نمونه آن است. راست‌گرایان عموماً تمایل بیشتری برای خطرپذیری دارند. ممکن است عجیب باشد اما راست‌گرایان با وجود آنکه ریاست‌جمهوری، مجلس نمایندگان، سنا و دیوان عالی را کنترل می‌کنند اما خود را بدون قدرت می‌بینند بنابراین تمایل بیشتری به پذیرش رمارزها، پذیرش پادکسترهای نامتعارف و پلتفرم‌های جدید دارند. به‌باور زکریا همیشه این دوران‌های تغییر بودند که افراد را ریسک‌پذیرتر کرده اما چپ‌میانه در مزیت راحتی خود از دهه ۹۰ باقی مانده است. نمونه آن دوران نخست‌وزیری تونی بلر در بریتانیا، کلینتون در آمریکا و سپس دولت اوپاما است که در شیوه حکومت‌داری‌شان نوعی اطمینان خاطر و یقین دیده می‌شد. البته زکریا این امر را انتقاد از آنها نمی‌داند اما معتقد است که آنها افرادی بودند که اخلاقی در وضع موجود ایجاد نمی‌کردند.

▼ مشکلات پوپولیستی چپ‌گرایان

یکی از استدلال‌ها این است که دوران چپ‌ها تمام‌شده است. اگر به سیاستمداران چپ نگاه کنید که در این دوران توجه‌ها را به‌خود جلب کرده‌اند، مثل برنی سندرز، الکساندریا اوکاسیو کروئز و زهران ممدانی نشان می‌دهد الان در زمانی هستیم که نیازمند دوران ساختاری جدید و نیازمند چپ جدید است. چپ محتاط و مردمی و مبادی‌آداب و ایده‌های کوچک دیگر کارکردی ندارد. خیلی‌ها استدلال می‌کنند که در عصر پوپولیستی زندگی می‌کنیم. راست‌پوپولیستی به‌سرعت در حال پیشرفت است. باید در مقابل آن چپ پوپولیست هم وجود داشته باشد و این فقط مسئله طبقه و سیاست‌گزاری نیست، بلکه مسئله رویکرد درقبال سیستم و ساختارهای تشکیلات حرفه‌ای است که از آن صحبت می‌کنیم؛ رویکردی که در آن ارزش حفظ کردن ساختارهای قبلی وجود دارد یا اینکه باید از اساس اصلاح شود.

زکریا معتقد است که سیاستمداران چپ‌گرای آینده باید در روح و لحن خود پوپولیست باشند که موضوع پیش پا افتاده‌ای نیست بلکه شیوه‌ای است که می‌تواند پیام را به رای‌دهندگان منتقل کند و به‌عنوان بخشی از الیتی دیده نشود که در حاشیه امن خود قرار دارند حتی اگر در آن قرار داشته باشند.

زهران ممدانی در منطقه مرفه‌اُپر وست‌ساید در نیویورک بزرگ شده و در مدرسه خیلی خوبی درس خوانده اما سبک کمپین او به‌گونه‌ای بود که عملکرد در خشانی در شبکه‌های اجتماعی داشت. به‌گفته زکریا هیچ سیاستمداری در آمریکا نتوانسته به‌خوبی ممدانی از شبکه‌های اجتماعی استفاده کند تا بتواند هویت واقعی و اعتبار خود را به رای‌دهندگان منتقل کند؛ امری که شما را به خود جلب می‌کند. زکریا می‌گوید: «همانطور که فردی درباره موفقیت بیل کلینتون گفت، در سیاست اگر اصالت جعلی از خود نشان دهید، از پیش برمی‌آیید. بیل کلینتون هم



یأس و ناامیدی منجر به انقلاب در کشورهای جهان می‌شود مثل انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹. اما زکریا در کتاب خود اشاره می‌کند که نوع متفاوتی از انقلاب می‌تواند از وفور نعمت سرچشمه بگیرد و این نمونه‌ای از انقلاب هویت است. زکریا توضیح می‌دهد که هرم سلسله مراتب نیازهای مازلو در مورد نیازهای اساسی انسان است و زمانی که این نیازها برطرف می‌شوند همانگونه که رونالد اینکهارت، دانشمند سرچشمه بگیرد و این نمونه‌ای از انقلاب هویت است. زکریا توضیح می‌دهد که هرم سلسله مراتب نیازهای مازلو در مورد نیازهای اساسی انسان است و

زکریا معتقد است که سیاستمداران چپ‌گرای آینده باید در روح و لحن خود پوپولیست باشند که موضوع پیش پا افتاده‌ای نیست بلکه شیوه‌ای است که می‌تواند پیام را به رای‌دهندگان منتقل کند و به‌عنوان بخشی از الیتی دیده نشود که در حاشیه امن خود قرار دارند حتی اگر در آن قرار داشته باشند. زهران ممدانی در منطقه مرفه‌اُپر وست‌ساید در نیویورک بزرگ شده و در مدرسه خیلی خوبی درس خوانده اما سبک کمپین او به‌گونه‌ای بود که عملکرد در خشانی در شبکه‌های اجتماعی داشت. به‌گفته زکریا هیچ سیاستمداری در آمریکا نتوانسته به‌خوبی ممدانی از شبکه‌های اجتماعی استفاده کند تا بتواند هویت واقعی و اعتبار خود را به رای‌دهندگان منتقل کند؛ امری که شما را به خود جلب می‌کند. زکریا می‌گوید: «همانطور که فردی درباره موفقیت بیل کلینتون گفت، در سیاست اگر اصالت جعلی از خود نشان دهید، از پیش برمی‌آیید. بیل کلینتون هم

می‌داند چگونه اصالت جعلی نشان دهد». دغدغه اصلی است که هرباری که دموکرات‌ها کلمه پوپولیست را می‌شنوند می‌گویند که ما باید در مورد سیاست‌های اقتصادی سراغ گرایش‌های چپ افراطی برویم. به‌گفته زکریا دو رئیس‌جمهور موفق از زمان فرانکلین دلانو روزولت را می‌توان بیل کلینتون و باراک اوپاما دانست و هر دو رئیس‌جمهور دو دوره‌ای بودند. آنچه بین آنها مشترک بود این بود که در سیاست‌های خود کاملاً میانه‌رو بودند. آنها در مرکزیت فرهنگی آمریکا ایستادند. باراک اوپاما در ابتدا با ازدواج هم‌جنس‌گرایان مخالف بود یا بیل کلینتون علیه «سیستر سولجر»، کنشگر رپ اهل نیویورک سخنرانی کرد، اما هر دو به‌روشی توانستند به‌مردم عادی بگویند که ما طرف‌فاشما هستیم. در واقع آنها به‌روشی رسیدند که به‌گفته زکریا متوجه‌شدند چگونه با مردمی که به‌دانشگاه نرفتند ارتباط برقرار کنند. اما امروز حزب دموکرات توانایی خود را برای ارتباط با مردم از دست داده است و مشکلاتی که مطرح می‌کند بیشتر حول فرهنگ و طبقه افراد است نه اقتصاد و تکنوکراسی.

یأس و ناامیدی منجر به انقلاب در کشورهای جهان می‌شود مثل انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹. اما زکریا در کتاب خود اشاره می‌کند که نوع متفاوتی از انقلاب می‌تواند از وفور نعمت سرچشمه بگیرد و این نمونه‌ای از انقلاب هویت است. زکریا توضیح می‌دهد که هرم سلسله مراتب نیازهای مازلو در مورد نیازهای اساسی انسان است و زمانی که این نیازها برطرف می‌شوند همانگونه که رونالد اینکلهارت، دانشمندسیاسی آمریکایی می‌گوید سوال‌هایی درباره ارزش‌های پساامتریالیستی به‌وجود می‌آیند و از آنجا ابراز هویت به‌عنوان یک زن یا فردی از یک نژاد یا یک مذهب آغاز می‌شود. زکریا استدلال می‌کند که بخشی از ظهور سیاست‌های هویتی به این موضوع مرتبط است که در ۴۰-۵۰ سال گذشته هیچ جنگی، هیچ آشوب بزرگی وجود نداشته و ثبات رشد اقتصادی در جهان غرب رخ داده است. زمانی که به نسل قبلی نگاه کنید می‌بینید که آنها جنگ جهانی اول، رکود بزرگ اقتصادی پیش از جنگ جهانی دوم و پس از آن ۳۰، ۴۰ سال رشد اقتصادی را طی کرده‌اند. در نتیجه هویت سیاسی افرادی با اینکه چه کسی هستند، تعریف شده‌اند. همین امر منجر به وقوع انقلاب فمینیستی شد و مردم بیشتر خود را با قومیت خود مثل آمریکایی‌های یهودی یا آمریکایی‌های اسپانیایی تبار تعریف می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت این تاحدی محصول دستاوردهای مادی است.

سیاست‌های پساماده‌گرایی نگرانی‌های گسترده‌تر سیاسی و آنچه به‌عنوان هویت به آن فکر می‌کنیم را توصیف می‌کند و جنبشی است که به‌سمت فکر کردن درباره تحریب محیط زیست می‌رود، نه فقط سرعت رشد و افزایش دستمزدها.

در آلمان هم گرایش به راست‌ها دیده می‌شود. مردم آلمان علیه راست‌های افراطی تجمعات اعتراضی راه انداختند چون نگران بودند که تاریخ دوباره تکرار شود و به بدترین بخش از تاریخ آلمان، عصری نازی‌ها برگردند. آلمان در دهه ۲۰ و ۳۰ میلادی لیبرال‌ترین کشور جهان بود و لیبرال‌ترین قانون اساسی در جهان را داشت. حتی از قانون اساسی آمریکا نیز لیبرال‌تر بود. سپس یک عقب‌گرد فرهنگی از راست‌ها در قالب بیگانه‌هراسی، یهودستیزی و البته ضددموکراتیک رخ داد. تاریخ ممکن است تکرار نشود اما با آن هم قافیه می‌شود. زکریا نقل‌قول دیگری از استیو بنن را در گفت‌وگو با کلاین ذکر می‌کند که می‌گوید «شماها (منظورش چپ‌ها) فکر می‌کنید که در انتخابات‌ها پیروز خواهید شد و رای تمام اقلیت‌ها و زنان را به خود جلب خواهید کرد. اما تمام کاری که ما باید بکنیم این است که رای مردان سفیدپوست را ۱۰ یا ۱۵ درصد افزایش دهیم که همه را تحت‌تاثیر قرار خواهد داد.» به معنای دیگر باید بتوانید سفیدپوست‌ها را ترغیب کنید در جهت سیاست‌های هویتی (سیاست بر اساس هویت مثل نژاد، ملیت، مذهب) حرکت کنند و از آن استفاده ابزاری کنید. به‌گفته زکریا آمریکا کشوری است که همچنان ۶۵ درصد از آن سفیدپوست هستند. بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ ترامپ توانست رای‌دهندگان غیرسفیدپوست را جلب کند. در ائتلاف ۲۰۲۴ ترامپ، نژادهای متعدتری وجود داشت، به‌ویژه در میان رای‌دهندگان اسپانیایی تبار آمریکایی. اما حالا اسپانیایی تبارها در انتخابات‌های چند هفته اخیر بیشتر به سمت دموکرات‌ها گرایش پیدا کرده‌اند. جنبش ماگا خود را متقاعد کرده که نیازی به انتخاب میان ظلم به مهاجران، دیدگاهی به‌شدت قوم‌گرایانه از دولت آمریکا و داشتن ائتلافی چندنژادی از طبقه کارگر ندارد. اما حالا به نظر می‌رسد که مجبور است بین این دو انتخاب کند. اینجاست که به‌گفته زکریا ترامپ بسیار متکرانه عمل کرد زیرا تلاش بسیاری برای جلب افراد بر اساس هویت طبقاتی آنها وجود داشت؛ نه هویت قومی و نژادی‌شان. اما حالا که باید انتخاب کند

فرستی برای چپ‌هاست. یک مسئله‌ای که حزب دموکرات و احزاب لیبرال در سراسر جهان چالش داشته‌اند مسئله مهاجرت است چون ارزش‌های آنها را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. از یک طرف آنها به کنترل مرزها باور دارند. در واقع تعداد کمی از اعضای حزب چپ و چپ‌میانه به باز بودن مرزها باور دارند. اما همزمان باوری به کرامت و ارزش هر فرد وجود دارد؛ احترام به افرادی که جان خود را به‌خطر می‌اندازند و خانواده‌های خود را ترک می‌کنند تا در کشوری دیگر زندگی بهتری بسازند. مسئله مهاجران که آمریکا در ۱۰ سال گذشته با آن مواجه است با ۳۰ سال گذشته تفاوت دارد. ۳۰ سال پیش مهاجر غیرقانونی فردی بود که از مرز مکزیک رد می‌شد و تلاش می‌کرد از دست پلیس فرار کند. اما امروز به‌دلیل حفره‌ای که در سیستم مهاجرت قرار دارد، مکانیسمی است که به افراد این امکان را می‌دهد که وارد خاک آمریکا شوند، به سمت پلیس بروند و بگویند که در کشور خود مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند تا بتوانند از آمریکا تابعیت دریافت کنند. طبق استدلال زکریا بزرگ‌ترین چالش این است که چپ‌گرایان برای روند قانونی مهاجرت مبارزه کنند تا مطمئن شوند به شکلی انسانی صورت می‌گیرد.

سیاستمداران



هنوز جنگ تمام نشده

روز گذشته دیمیتری پسکوف، سخنگوی دولت روسیه گفت که بسیاری در کشورهای مختلف، از جمله آمریکا، تلاش می‌کنند تا مانع دستیابی به توافق صلح در اوکراین شوند. پسکوف خواستار احتیاط کردن در اظهارنظر درباره پایان جنگ اوکراین شد. او طی نشست خبری در کاخ کرملین گفت: «هنوز برای گفتن اینکه صلح در اوکراین قریب‌الوقوع می‌باشد، زود است و باید در اینگونه اظهارات احتیاط کرد». به نوشته خبرگزاری «اسپوتنیک»، وی در این‌باره توضیح داد: «بسیاری در کشورهای مختلف، از جمله ایالات متحده، در تلاشند تا مسیر دستیابی به توافق صلح در مورد اوکراین را مسدود کنند». این مقام روس همچنین افزود: «اتماس‌هایی با واشنگتن برقرار شده و در حال حاضر مذاکراتی درمورد سفر استیون ویتکاف نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا به مسکود در جریان است».



پیام تند چین به آمریکا

«هر گونه دخالت خارجی را درهم خواهیم شکست»: این را سخنگوی دفتر امور تایوان در دولت چین در رد مواضع غرب درباره تایوان و استقرار موشکی ژاپن گفت. پنگ چینگن در یک کنفرانس خبری درباره استقرار موشک‌های میان‌برد ژاپن در جزیره یوناگونی واقع در نزدیکی تایوان هشدار داد. سخنگوی دفتر امور تایوان در دولت چین با بیان اینکه «ما هرگونه دخالت خارجی را در هم خواهیم شکست»، گفت: «ما اراده‌ای راسخ، عزمی راسخ و توانایی قوی برای دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود داریم.» پکن تایوان را بخشی از قلمرو چین واحد می‌خواند و توسل به گزینه نظامی برای «اتحاد مجدد دو سوی تنگه تایوان» را یکی از گزینه‌های خود می‌داند. مقامات این جزیره خودمختار اما مواضع چین در مورد حاکمیت را رد می‌کنند و می‌گویند که فقط مردم تایوان می‌توانند آینده خود را تعیین کنند. به دنبال بازدید اخیر وزیر دفاع ژاپن شینجیرو کویزومی از جزیره یوناگونی که ۱۱۰ کیلومتر با تایوان فاصله دارد، او از استقرار موشک‌های میان‌برد در این جزیره خبر داد.



تنش در دیدار ترامپ و بن‌سلمان

در حالی که دونالد ترامپ و محمد بن سلمان پس از دیدار اخیر خود تنها به تعریف و تمجید از یکدیگر پرداختند، رسانه‌ها از متشنج شدن این دیدار پرده برداشته‌اند. وبگاه خبری اکسپوس به نقل از چندین منبع آگاه گزارش داده که پیوستن عربستان به توافقات ابراهیم و عادی‌سازی روابط با اسرائیل همچنان موضوع مهم مورد اختلاف آمریکا و عربستان سعودی است. با پایان جنگ غزه، ترامپ امیدوار بود دیدارش با بن‌سلمان به یک پیشرفت بزرگ در مسیر عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل منجر شود، اما در عوض با واکنش سرد و عدم همراهی بن‌سلمان روبه‌رو شده است. رئیس‌جمهور آمریکا پیش از این دیدار ادعا کرده بود که ریاض هم مایل به پیوستن به توافق عادی‌سازی روابط با اسرائیل (توافق ابراهیم) است. این در حالی بود که عربستان بارها تأکید کرده «تشکیل کشور فلسطین» مهم‌ترین شرط این کشور برای پیوستن به پیمان ابراهیم است.